

زندگی دیجیتال

حمیده رضایی

خانواده

در خانواده‌ای بزرگ شدم که اهل دین بودند و خدا را شکر از همان اول راه درست را نشانم دادند. وقتی می‌دیدم پدر و مادرم این‌طور به خدا و اسلام احترام می‌گذارند، یقیناً برای من هم قابل احترام می‌شد. حالا هم به خاطر همه زحمات‌هایشان بسیار ممنونم.

شروع

اولین دوره آموزشی کامپیوتر را در دوران راهنمایی گذراندم. به دانش آموزان شاگرد اول هر مدرسه دعوت نامه دادند که برای آموزش کامپیوتر در یک آموزشگاه ثبت نام کنند، من هم جزء نفرات بودم. سال سوم، معلم مدرسه‌مان استاد دانشگاه بود و خیلی خوب درس را به ما آموخت. واقعا باید از ایشان ممنون بود. زبان Visual Basic را در مدرسه کامل یاد گرفتم و مسلط شدم. خرده نرم‌افزارهایی درست کردم و در اینترنت پخش کردم. مدرسه‌ام که تمام شد همان سال اول در کنکور شرکت کردم و در آموزشکده فنی سراسری قبول شدم.

خودم

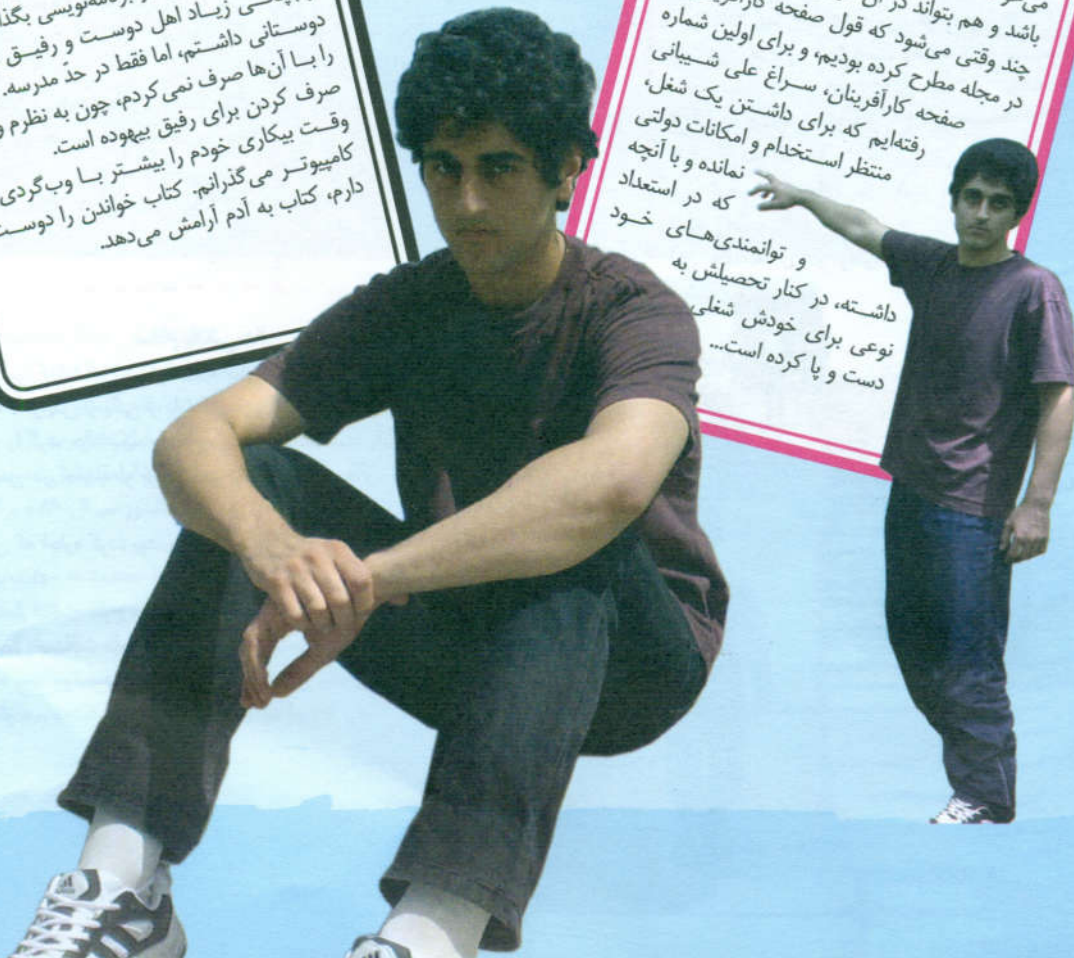
از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، ۱۰ تا ۱۵ ساعت پشت کامپیوتر هستم. عاشق برنامه‌نویسی‌ام. دوست دارم بیشتر وقتم را سر برنامه‌نویسی بگذارم. از بچگی زیاد اهل دوست و رفیق نبودم. دوستانی داشتم، اما فقط در حد مدرسه. وقتم صرف کردن برای رفیق نمی‌کردم، چون به نظرم وقت بیکاری خودم را بیشتر با وب‌گردی و کامپیوتر می‌گذرانم. کتاب خواندن را دوست دارم، کتاب به آدم آرامش می‌دهد.

اشاره:

علی شیبانی هشتم، در حال تحصیل مهندسی کامپیوتر - نرم افزار. عاشق برنامه نویسی، طراحی و ساخت وب سایت (پویا و استاتیک) آماده انجام پروژه‌های شما...

این‌ها جملاتی است که در ابتدای «زندگی دیجیتال» می‌خوانیم. علی شیبانی ۷۱ ساله از تهران، ساکن تنکابن متولد ۴ تیر ۷۱ صادره از تهران، ساکن تنکابن است.

دانشجوی کارشناسی کامپیوتر گرایش نرم افزار. رشته تحصیلی‌اش را به میل خودش انتخاب کرده و از قبل هم علاقه زیادی به این رشته داشته. خیلی‌ها به او گفتند به رشته‌های دیگر مانند (تجربی، ریاضی و...) برو، اما او می‌خواست انتخابی کند که هم دوست داشته باشد و هم بتواند در آن موفق باشد. چند وقتی می‌شود که قول صفحه کارآفرینان را در مجله مطرح کرده بودیم، و برای اولین شماره صفحه کارآفرینان، سراغ علی شیبانی رفته‌ایم که برای داشتن یک شغل، منتظر استخدام و امکانات دولتی نمانده و با آنچه که در استعداد و توانمندی‌های خود داشته، در کنار تحصیلش به نوعی برای خودش شغلی دست و پا کرده است...



اولین درآمد

دوم دبیرستان، توی مدرسه تخصص من در کامپیوتر از همه بیشتر بود و اکثر دوستانم سئوالاتشان را از من می‌پرسیدند.

یک بار نزدیک عید بود؛ اواسط اسفند... یکی از دوستانم گفت: «کامپیوترم خراب شده. یک جا بردم گفته ۸۰ هزار تومان هزینه‌اش می‌شود. می‌ایی یک نگاهی بیندازی؟»

بعد از ظهر همان روز سیستم را آورد خانه ما. مشکل از CPU بود. با هم رفتیم پیش یک آشنا با ۲۰ هزار تومان CPU خریدیم. CPU را وصل کردم و سیستم درست شد.

رفیقم خیلی خوشحال شد. آخر نزدیک عید بود و وسط آن همه خرج عید، با هزینه کمی کارش را راه انداخته و ویندوزش را هم عوض کرده بودم. بیست هزار تومان از جیبش درآورد به من داد. نمی‌خواستم قبول کنم، اما گفت: «همین که ۸۰ تومان خرج نینداختی ممنون. من کارم با ۴۰ تومان راه می‌افتد.» آخر می‌خواست برای عید کفش بخرد.

پول را گرفتم و گذاشتم جیبم. خیلی خوشحال شدم. اولین پولی بود که برای کار خودم در آوردم. حس جالبی داشت. بعد از ظهر همان روز رفتم یک فلش مموری ۲ گیگابایتی که آن موقع هنوز کسی نداشت گرفتم، ۳۰ هزار تومان پولش شد.

هدف

بلند پروازم و هدف‌های بزرگی در زندگی دارم. می‌خواهم ادامه تحصیل بدهم و به مقاطع بالاتر برسم. همیشه به این امید دارم که بتوانم روزی تحولی در علم کامپیوتر ایجاد کنم. چون علم کامپیوتر، علم روز است. من هم دوست دارم کسی باشم که ایده‌ای را عرضه کرده باشد. به عنوان شغل آینده هم به کمتر از استاد دانشگاه فکر نمی‌کنم، چون استاد دانشگاه مغزش خیلی فعال است و مدام با دانشجویهایش بحث و صحبت دارد.

نرم افزار

- نرم افزارهایی که با آن‌ها کار می‌کنم:
۱. نرم افزارهای مرتبط با پایگاه داده (چه تحت وب چه تحت ویندوز)
 - ۱.۱ SQL Sever
 - ۱.۲ Access
 ۲. نرم افزارهای مربوط به طراحی و پیاده سازی سایت
 - ۲.۱ Adobe Dreamweaver
 - ۲.۲ Share Point Designer
 - ۲.۳ Visual studio
 - نرم افزارهای ویرایش تصاویر و ویدئو
 - ۳.۱ Photoshop
 - ۳.۲ Premiere

زبان

- زبان‌هایی که به آن مسلط هستم:
۱. زبان‌های تحت ویندوز
 - ۱.۱ Visual Basic
 - ۱.۲ Visual Basic.Net
 - ۱.۳ C
 - ۱.۴ ++C
 - ۱.۵ C#.Net
 ۲. زبان‌های تحت وب
 - ۲.۱ CSS
 - ۲.۲ HTML
 - ۲.۳ ASP.Net
 ۳. نرم افزارهای تحت وب مدیریت محتوا (CMS)
 - ۳.۱ Joomla
 - ۳.۲ Mambo
 - ۳.۳ PHP-Nuke
 - ۳.۴ WordPress

درس و کار

از وقتی که وارد دانشگاه شدم کمی به سراغ کار هم رفته‌ام. البته نه تمام وقت؛ بلکه در همان تخصص خودم به عنوان برنامه‌نویس با کافی نت‌های شهر دانشگاهم که هم برایم یک منبع درآمد باشد و هم این که سر خودم حلاق کار کنم درآمدم گرم می‌شود. با برنامه‌نویسی که دانشگاه نمی‌روم، در یکی از تابستان زمانی که دانشگاه در شهر خودم مشغول مراکز خدمات کامپیوتری در آنجا کار نصب دوربین مدار بسته را یاد گرفتم. حالا هم پروژه‌های طراحی و پیاده‌سازی نرم افزارهای چند رسانه‌ای را کار می‌کنم.

انگیزه

چیزی که تا کنون به خودم انگیزه کار و درس می‌داد، تنها یک جمله است. نمی‌دانم کجا شنیدم اما همیشه شعار ذهنم است:

«تو می‌تونی موفق بشی اگه بخواهی»

واقعا هم همین‌طور است. البته من در سنی نیستم که بخوام نصیحت کنم. اما یک حرف دوستانه دارم و آن این است که: «اگر بخوای، می‌شود هر چیزی اتفاق بیافتد. فقط همت و پشت کار می‌خواهد به همراه ایمان قوی. این دو را داشته باشی همیشه موفق می‌شوی.»

حرف آخر

- امامان بزرگوارمان را واقعا برای خودم سمبل قرار داده‌ام، رشادت‌هایشان، طرز زندگی و... فکر می‌کنم واقعا لازم است که راه پیامبر و امامان را پیش بگیریم و آن‌ها را الگوی زندگی‌مان قرار بدهیم.

- در علم کامپیوتر اشخاصی که از آن‌ها ایده گرفتم «استیو جابز» و «بیل گیتس» بودند. البته نه این که سمبل قرار بدهم، فقط به خودم گفتم که آن‌ها توانستند به این موفقیت برسند، پس من هم می‌توانم.

شکست

معتقدم شکست یک معنی دیگر دارد. خیلی از انسان‌ها شکست برایشان معنی ناامیدی و پایان می‌دهد. اما برای من شکست یعنی پیروزی. تا شکست نباشد، پیروزی معنا پیدا نمی‌کند. وقتی شکست بخوری پیروزی برایت معنا پیدا می‌کند و یاد می‌گیری که دیگر آن راه اشتباه را نروی، ولی اگر با قدم اول پیروز بشوی، هرگز قدر پیروزی‌ات را نمی‌دانی.

به نظر من باید از گذشته‌ها و شکست‌هایی که در زندگی می‌خوری عبرت بگیری، نه این که افسوس بخوری.